

دولت های غربی آگاهانه بر عملیات تروریستی رژیم جمهوری اسلامی سرپوش می گذارند!

اینکه با تروریسم دولتی رژیم ایران مخالف اند، اما مقابله با آن را کار دشواری می یابند. مقاله «تایم» سپس به نمونه های متعددی از سکوت و حتی کنار آمدن دول غربی با اقدامات تروریستی رژیم اشاره می کند: در رابطه با قاتلان دکتر کاظم رجوی، «تایم» می نویسد:

«در روز ۱۵ نوامبر ۱۹۹۲، پلیس فرانسه دو نفر از افرادی را که مشکوک به شرکت در قتل او بودند دستگیر کرد. در ماه اوت گذشته، دولت فرانسه به ادامه در ص ۸

مقاله «تایم» (۲۱ مارس ۱۹۹۴) درباره اقدامات تروریستی دولت جمهوری اسلامی در خارج از کشور، علاوه بر افشای این جنایات، به وجود يك واقعیت مهم دیگر یعنی سکوت آگاهانه، و حتی در مواردی همکاری مستقیم دولت های غربی با تروریست های حاکم بر ایران اذعان می کند.

«تایم»، در مقاله مستند خود، در عین تاکید بر این نکته که «حجم بیسابقه ای از مدارک و شواهد، مقامات ایرانی را به قتل مخالفان سیاسی رژیم در خارج از کشور مرتبط می کند»، می نویسد: «دولت های غربی ضمن

متن اعلامیه کنفرانس سراسری احزاب کمونیست و کارگری قاره آمریکا، (۱۰-۱۲ مارس ۱۹۹۴، مکزیکوسیتی)

قاره آمریکا در کیرودار مبارزه، امید زنده می شود و به آرمان رهایی جان می بخشد

ما، نمایندگان شرکت کننده در اجلاس سراسری احزاب کمونیستی و کارگری قاره آمریکا، در میان میخک های سرخ و در حضور تصاویر مارکس، انگلس و لنین، با توافق دموکراتیک و یکپارچه، و با روحی سرشار از حس انتقاد و انتقاد از خود، در رابطه با مسایل مربوط به «مبارزه ایدئولوژیک در حال حاضر» و «مردم قاره آمریکا در آستانه سده بیست و یکم» به نظرات مشترک زیر دست یافته ایم:

۱- سوسیالیسم علمی و مجموعه تئوری ها و مفاهیم آفریده شده توسط مارکس، انگلس، لنین و دیگر انقلابیون بزرگ قرن حاضر، همواره مفاهیم پایه ای را روند رهایی کارگران و دیگر مردم تحت ستم سرمایه تشکیل داده اند و همچنان تشکیل می دهند.

این بینش و نیروی خلاق، که هم شعور انسانی و هم پیشرفت علمی و تکنولوژیکی جامعه بشری آن را مورد تایید قرار داده است، همچنان همه اعتبار خود را در این مبارزه پایان نیافته برای رهایی بشر حفظ کرده است.

۲- در مرحله پایانی قرن حاضر، جامعه بشری با معضلات عظیمی دست به گریبان است. معضلاتی در تحولات عظیم ناشی از انقلاب علمی - تکنولوژیکی، راهگشایی های خارق العاده در عرصه ارتباطات جمعی، بروز مشکلات جدی در محیط زیست، تبعیض غیرقابل تحمل علیه زنان، تراژدی استثمار و بی سرپرست شدن کودکان جهان، نیازهای سالمندان، و خواست فزاینده مجموعه بشریت برای شرکت مؤثر در کار حل مشکلات بزرگ جهان حاضر تبلور یافته اند.

دوران پایانی قرن حاضر، با همه غلیان های تحول آفرینش، از کمونیست ها می طلبد که کوشش های خلاق خود را، هم در عرصه نظری و هم در پراتیک، به طور بنیادی تشدید و تعمیق کنند.

۳- مارکسیسم - لنینیسم را باید همان طور که هست درک کرد: مجموعه ای از تئوری های زنده که دائماً در حال نو شدن و غنا یافتن است و از هر

ادامه در صفحات ۶ و ۷



شماره ۲۵، دوره هشتم
سال دهم، ۲۳ فروردین ۱۳۷۳

از «تمدن بزرگ» شاهنشاهی تا «تمدن کمال» ولایت فقیه

بر اساس گزارش رسانه های گروهی سید علی خامنه ای در پیام نوروزی خود از ساختن تمدن جدید و نوظهور در ایران سخن گفت و از جمله مدعی شد: «ما در حال پیشرفت، سازندگی و ایجاد تمدنی هستیم که کمال و انسانیت است...». در گذشته ای نه چندان دور، درست قبل از سقوط حکومت استبداد شاهنشاهی، محمد رضا پهلوی، نیز در سخنان مشابهی مدعی شد که ایران «به دروازه های تمدن بزرگ» رسیده است. «دروازه های تمدن بزرگ» از نظر رژیم گذشته، چیزی جز حکومت مستشاران آمریکایی، قراردادهای اسارت بار با شرکت های فراملیتی و حکومت متشی سیاستمدار نوکر و وابسته که دستورات خود را از سازمان «سیا» و «اینتلیجنس سرویس» دریافت می کردند، نبود. دروازه های «تمدن بزرگ» برای کشور ما مساوی بود با به هدر رفتن میلیارد ها دلار درآمد نفتی کشور، تبدیل ایران به زاندارم آمریکا در منطقه برای سرکوب هرگونه جنبش آزادیخواهی و اسیر کردن، شکنجه و اعدام آزادیخواهانی که حاضر نبودند چنین نظام غیر انسانی را تحمل کنند.

و اما «تمدن کمال و انسانیت» که سید علی خامنه ای از آن سخن می گوید، کدامست؟ کارنامه پانزده ساله رژیم

ادامه در ص ۲

جان پناهجویان ایرانی در ترکیه در خطر جدی است!

ص ۳

اعتصابات دانشجویی گسترش می یابد

ص ۴

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ص ۴

محکومیت جمهوری اسلامی توسط کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

ص ۴

همبستگی کنگره سراسری اتحادیه های بریتانیا با کارگران ایران

ص ۸

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد یاد رژیم «ولایت فقیه»!

پیام

کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

(به مناسبت ۶۰-مین سالروز تاسیس حزب کمونیست عراق)

دهم فروردین ماه مصادف بود با شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست عراق. به این مناسبت از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران پیامی به جشن سالروز حزب که در گوشه و کنار جهان و از جمله در کردستان عراق برگزار گردید، ارسال شد. متن پیام به شرح زیر است.

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، گرمترین درودهای رقیفانه خود را به مناسبت فرخنده ۶۰-مین سالگرد تاسیس حزب کمونیست عراق به شما تقدیم می دارد. حزب کمونیست عراق برای برافراشتن پرچم مبارزه طبقه کارگر و سایر زحمتکشان، تاریخی طولانی و قهرمانانه از مبارزه پیگیر علیه استبداد، استثمار، و برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را با خود به همراه دارد.

مبارزه کمونیست های عراق در سال های اخیر علیه دیکتاتوری وحشیانه رژیم صدام حسین، علیه جنگ ایران و عراق، علیه ماجراجویی های نظامی امپریالیسم در منطقه و برای حقوق مردم ستمدیده عراق و خلق های این کشور، خصوصاً خلقی کرد، نمونه بارزی از

مبارزه انقلابی و عادلانه در راه تحقق خواست های زحمتکشان عراق بوده است.

علی رغم هزاران شهید، علی رغم حمله های وحشیانه، شکنجه و زندان، کمونیست های عراق با سربلندی سخنان درخشان رفیق شهید فهد (نخستین دبیر کل حزب کمونیست عراق) را به اثبات رساندند که "کمونیست ها از دار بلندترند".

برگزاری پنجمین کنگره ملی حزب شما نمونه دیگری است از این حقیقت که علی رغم دشواری های عظیم و علی رغم عقبگردهایی که جنبش جهانی کمونیستی متحمل گردیده است، حزب شما به مبارزه خود ادامه می دهد. کنگره شما بار دیگر نشان داد که کمونیست های عراق نیروی زنده و پرتحرکی هستند که قادرند برای شرایط دشوار و بحرانی کشور راه

نجات واقع بینانه ارایه دهند.

رفقای عزیز

دو حزب ما طی شش دهه گذشته، همواره از روابط گرم، نزدیک و رقیفانه بهره مند بوده اند. توده ای ها برای این روابط و دوستی ارزش ویژه ای قایلند. ما اطمینان داریم که این روابط در آینده هرچه بیشتر گسترش خواهد یافت. همانطوریکه در دیدار اخیر میان رهبری دو حزب نیز تاکید شد، گسترش هرچه بیشتر روابط و نزدیکی نیروهای مترقی منطقه در شرایط کنونی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر به شما دورد می فرستد و برای شما در مبارزه دشوار و بغرنجی که در پیش روی دارید آرزوی موفقیت و پیروزی های بزرگ دارد. تاریخ شصت ساله مبارزه قهرمانانه کمونیست های عراق خود بهترین گواه نقش تاریخی است که شما در مبارزات آزادیبخش کشورتان ایفا کرده اید.

زنده باد شصتمین سالگرد حزب کمونیست عراق!

زنده باد روابط رقیفانه میان حزب کمونیست عراق و

حزب توده ایران

زنده باد همبستگی بین المللی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

فروردین ۱۳۷۳

از «تمدن بزرگ» شاهنشاهی ...

جمهوری اسلامی بهترین ملاک و معیار ما برای سنجش این ادعا است. پانزده سال پیش مردم مین با آرزوی دستیابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، یکی از پرشورترین و درخشانترین انقلاب های مردمی در منطقه خاورمیانه را به پیروزی رساندند و سکان رهبری آن را به نیروهای مذهبی که خود را همگام با این خواست ها معرفی می کردند، سپردند. این اعتماد بر اساس قول هایی بود که رهبران مذهبی، خصوصاً شخص خمینی در مصاحبه های گوناگون به مردم ما می دادند. وعده هایی مانند:

"اگر محمد رضا شاه در سلطنت باقی بماند چند سال دیگر مملکت ما روبه فقر و نیستی خواهد رفت، بنابراین تا ایشان نرفته مملکت ما نمی تواند روی آزادی و ترقی را ببیند..."

(از مصاحبه با تلویزیون فرانسه، ۵ آبان ۱۳۵۷)

"مردم از اختناق و خیانت های پنجاه ساله به جان آمده اند و برای مطالبه حقوق اولیه خود قیام کرده اند... برنامه ما تحصیل آزادی و استقلال است..."

(از مصاحبه با تلویزیون لوکزامبورگ، ۱۱ آبان ۵۷، و "پس از رفتن شاه حقوق مردم... محترم بوده و رعایت خواهد شد...")

(از مصاحبه با تلویزیون اتریش، ۱۰ آبان ۵۷)

واقعیت این است که برخلاف این ادعاهای رنگارنگ به محض اینکه این نیروها توانستند حکومت را در دست خود قبضه کنند، چنان آزادی کشی، سرکوب وحشیانه و جنایاتی را سازماندهی کردند، که به قول گزارش های متعدد سازمان های حقوق بشر جهانی، از جمله کمیسیون حقوق بشر

ادعاهایی را طرح می کند. طرح این سخنان بی شک ارتباط مستقیم با بحران همه جانبه و عمیقی دارد که رژیم را در خطر غرق شدن قرار داده است. سران رژیم امیدوارند که با چنین یاوه سرایی ها و ادعاهایی وجود هرگونه بحرانی را در جامعه نفی نمایند و اثبات کنند که رژیم جمهوری اسلامی در ثبات کامل به سمت "بازسازی و تکامل" است و بحران اقتصادی و اجتماعی حاضر تنها ساخته و پرداخته "استکبار جهانی" و گروه کوچکی "عناصر ضد انقلاب" است. ولی بحران اقتصادی که سرتاسر حیات جامعه ما را دربر گرفته است، و شرایط دشوار و طاقت فرسای که به اکثریت هم میهنان ما تحمیل گردیده، بارزتر و روشن تر از آن است که سران رژیم بتوانند با این ادعاها کسی را فریبند.

کوتاه سخن: "تمدن کمال و انسانیت" رژیم «ولایت فقیه» نیز بالاخره از همانجایی سر درخواهد آورد، که "تمدن بزرگ" شاهنشاهی سردرآورد - زباله دان تاریخ. رژیم ستمگر حاکم نیز دیر یا زود به دست پرتوان مردم جان به لب رسیده مین ما به پایان خواهد رسید. رشد و گسترش جنبش اعتراضی مردم، در کنار تعمیق بحران اقتصادی-اجتماعی، یادآور ایران سال های پیش از انقلاب بهمن ۵۷ است. تلاش در راه سازماندهی این مبارزه که اکنون به شکل پراکنده در گوشه و کنار کشور بروز می یابد، در کنار تلاش برای ایجاد یک ائتلاف وسیع و در عین حال استوار بر پایه و اصول دموکراتیک، بی شک این روند را تسریع خواهد کرد. ما با خوشبینی تاریخی به این روند می نگریم و اعتقاد داریم که با اتکاء به نیروی مردم می توان هر سدی را از سر راه برداشت.

سازمان ملل متحد، در دنیا کم نظیر بوده است. "تمدن کمال و انسانیت" است از دیدگاه سران جمهوری اسلامی چیزی جز کشتار هزاران انسان مبارز و آزادیخواه بیگناه، به جرم "مسلمان نبودن" نیست. این "تمدن" بیش از نیمی از جمعیت کشور ما - زنان - را، انسان هایی ناقص که "فهم و ادراکشان" نصف "مردان" است و از این رو می بایست مانند بیماران روانی برای آنها قیم تعیین کرد، می شناسد. و این "تمدن" همان تمدنی است که دهها هزار نوجوان ۱۶ - ۹ ساله را برای روشن نگاهداشتن کوره های جهنمی جنگی خانمانسوز و مخرب به خودکشی گروهی و عبور از میادین مین تشویق می کرد. در این "تمدن کمال و انسانیت" میلیون ها انسانی که قرار بود حقوق شان رعایت شود و از فقر و عقب ماندگی رها شوند، همچنان در فقر و عقب ماندگی بسر می برند، و به گواهی آمار رسمی جمهوری اسلامی، فقیرتر و محروم تر از پانزده سال پیش شده اند.

"دستاوردهایی" که سید علی خامنه ای و رئیس جمهور هاشمی رفسنجانی مدام از آن دم می زنند، چیزی جز تاراج و غارت بی سابقه درآمد ملی کشور نیست. جمع آوری ثروت های افسانه ای که به گفته حتی برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی سر به میلیارد ها می زند، تخریب زیر ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور، بیکاری میلیونی، نابودی بخش عمده ای از صنایع تولیدی کشور و ایجاد یک دستگاه فاسد، ظالم و زورگوی اداری - دولتی که تنها خاصیتش آزار و اذیت مراجعان به این دستگاه ها است، از جمله دستاوردهایی است که سران رژیم می توانند به آن بیاند.

نکته ای که باید به آن توجه کرد، این است که چرا در چنین مقطعی، سید علی خامنه ای چنین

شعر رسیده از ایران:

نغمه ای عاشقانه برای حزب محبوب

مرا باور کن

بر لب هایم، سرود بوسه ای است
که چون نسیم پگاه
عطر حریر گیسویت را
در گیتی می پراکند،

و با شکفتن

گلخند لبانت

بلبلان عاشق

زیباترین ترانه رهایی را

برشاخه انگشتانت

که پراز جوانه امید است می خوانند.

با این ترنم صلح انگیز

دریچه آبی چشمانت را که رمز و راز کلید

آزادی است

به روی من بگشای،

به روی من،

که بار شکنجه قرون و اعصارم،

که رنج اسارت تاریخم

و مرا در گندمزار سبز آغوش

باور کن.

سریع و بلافاصله در تشکیل گروههای فشار در کشورهای مختلف توسط احزاب و سازمانهای سیاسی و صنفی ایرانی در خارج است. این گروهها باید با همکاری سازمانهای مترقی و انساندوست محلی، سیاستها و اقدامات تروریستی رژیم جمهوری اسلامی و رژیم خودکامه ترکیه را افشا و محکوم کرده و توجه افکار عمومی جهانی را به این مسئله حاد جلب کنند.

این تلاش ها حاصل قرارداد دو جانبه امنیتی و همکاری متقابل است که اخیرا در زمینه استرداد مخالفان سیاسی میان رژیم های ایران و ترکیه بسته شده است، و از هم اکنون می توان یقین داشت که در صورت عدم جلوگیری از ادامه این سیاست ها در ترکیه، این جریان ابعاد فاجعه آمیزی در آینده بخود خواهد گرفت. چاره این مشکل بزرگ، همکاری و اقدام

همبستگی کنگره سراسری اتحادیه های ...

مشترک ما به سازمان بین المللی کار طرح خواهد گردید... کنگره سراسری اتحادیه های کارگری به پیگیری این کار تا طرح قطعنامه در سازمان بین المللی کار ادامه خواهد داد.

اعلام کرد که این قطعنامه بدرستی حقایق پیرامون سرکوب حقوق کارگران در ایران را انعکاس می دهد و اخیرا اطلاعات مفصلی پیرامون سرکوب اعتصاب های کارگری در ایران بدست کنفدراسیون رسیده است که در شکایت

جان پناهجویان ایرانی در ترکیه در خطر جدی است!

سازمان عفو بین الملل در اطلاعیه خود به تاریخ ۲۱ ژانویه سال ۱۹۹۴ پرده از واقعیت دهشتناک استرداد پناهندگان و پناهجویان ایرانی توسط رژیم ترکیه به ایران، برداشت. در اطلاعیه مزبور آمده است: " طی هفته های اخیر، دولت ترکیه پناهجویان ایرانی را که پرونده آنها هنوز تحت بررسی دفتر کمیساری عالی سازمان ملل متحد است از این کشور اخراج و تحویل مقامات جمهوری اسلامی داده است. در این اطلاعیه سازمان عفو بین الملل به شدت از وضع پناهندگان و پناهجویان اظهار نگرانی کرده و اضافه می کند: "پناهجویان ایرانی در ترکیه در وضع خطرناک و نابسامانی بسر می برند. تضيقاتی از قبیل ایجاد انواع شکنجه های روحی و ضرب و شتم آنها توسط پلیس و تهدید به زندان و استرداد آنها به ایران از مسایل روزمره آنهاست."

در گزارش فوق همچنین آمده است: " طی دو سال گذشته تعداد زیادی پناهجو و حتی پناهندگان ایرانی که پرونده آنها توسط دفتر کمیساری عالی سازمان ملل تکمیل شده بود به ایران برگردانده شده اند. " گزارش فوق ادامه می دهد: " در تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۹۴ یک ایرانی به نام "طه کرمانچ" که از رهبران حزب دموکرات کردستان (رهبری انقلابی) بوده نزدیک منزلش، به ضرب گلوله به قتل رسیده است، این سومین ترور مخالفان سیاسی رژیم جمهوری اسلامی در ترکیه طی ۹ ماه گذشته بوده است."

بر اساس قرارداد کنوانسیون ۱۹۵۴ ژنو، کشورهای عضو سازمان ملل متحد و امضا کنندگان قرارداد (منجمله ترکیه) ملزم هستند به وضعیت پناهجویان کشورهای دیگر رسیدگی کرده و امکانات مناسب معیشتی و اجتماعی برای آنان مهیا سازند. این اصل کنوانسیون ژنو متأسفانه در سالهای اخیر توسط کشورهای متعددی زیر پا گذاشته شده و به موقع اجرا در نیامده است. ترکیه یکی از این کشورهاست که بنا بر ماهیت ارتجاعی رژیم خود کوچکترین اهمیتی به اصول کنوانسیون ژنو نداده و نمی دهد و اصولا معیارهای انسانی و انساندوستی در قاموس این رژیم همانند رژیم جمهوری اسلامی جایی ندارد. بدین علت سازمان ملل متحد دفاتر کمیساری عالی خود را جهت تامین احتیاجات بلافاصله معیشتی و سرویس های رسیدگی به پرونده پناهجویان و نظارت بر امور پناهندگان در کشورهای مختلف ایجاد نموده

محکومیت جمهوری اسلامی توسط

کمیسیون حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، طی قطعنامه ای بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی ایران را به خاطر «نجاوز آشکار» به حقوق بشر محکوم کرد. در این قطعنامه سه صفحه ای که بر اساس گزارش رینالدو گالیندویل صادر گردید از جمهوری اسلامی خواسته شد با نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر که ماموریت او یکسال دیگر نیز تمدید شده است، همکاری نماید.

در قطعنامه مذکور با اشاره به ادامه اعدامها، شکنجه و آزار زندانیان، زنان و اقلیت های مذهبی، محروم بودن متهمان از وکیل مدافع، غیر عادلانه بودن محاکمات و ... در جمهوری اسلامی، برای اولین بار از حکومت ایران خواسته شده تا از حمله به مخالفان رژیم در خارج از کشور دست بردارد و برای به نتیجه رساندن تحقیقاتی که از متهمان به قتل فعالین اپوزیسیون به عمل می آید، همکاری کند.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران طی بیانیه ای با رد قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، آنرا یک «دسیسه سیاسی» برای «بدنام کردن» رژیم خواند. از طرف دیگر حسین مهرپور، «عضو حقوقدان شورای نگهبان» در سلسله مقالاتی در روزنامه «اطلاعات» آشکارا اعلام داشت که: «اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق سیاسی و فرهنگی با برخی قوانین عادی و برخی مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی مغایرت دارد که عضویت ایران را در سازمانهای مربوطه دچار اشکال می کند». وزارت خارجه ایران نیز اعلام کرد که «اعلامیه جهانی حقوق بشر» باید «مورد تجدید نظر» قرار گیرد.

توافق برای بازپرداخت بدهی ها

در آخرین روزهای سال گذشته، محمد حسین عادل، رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد: «نمایندگان بانک مرکزی ایران یک قرارداد ۲ میلیارد دلاری در توکیو امضا کردند و قرارداد مشابهی نیز به مبلغ ۲/۶ میلیارد دلار حدود دو هفته قبل از آن با آلمان امضا شد». وی اضافه نمود: «از این اعتبارات برای پرداخت بدهی های عقب افتاده ایران به شرکت های ژاپنی و آلمانی استفاده خواهد شد».

بدنبال این توافقات، در اولین روزهای سال نو، روابط عمومی بانک مرکزی خبر داد که توافقات مشابهی میان این بانک و بانکهای شرکت های بیمه سوئیسی و اطریشی برای زمان بندی دوباره پرداخت بدهی ه بعمل آمده است. بانک مرکزی مجموعه این بدهی ها را یک میلیارد دلار اعلام کرد. براساس توافقات مذکور جمهوری



اسلامی ایران متعهد شد بدهی های خود را بتدریج و در طول ۶ - ۵ سال آینده پرداخت کند. مقامات ایران و کشورهای یاد شده از افشای جزئیات این توافقات و اینکه جمهوری اسلامی ایران چه مقدار باید بهره تازه بپردازد، خودداری کردند. در حالیکه، روزنامه های آلمانی و برخی مقامات بانک سوئیس از دو برابر شدن بدهی های ایران خبر دادند.

اعتصابات دانشجویی گسترش می یابد

همزمان با تشدید بی سابقه بحران اقتصادی - اجتماعی در کشور و افزایش اعتراضات توده های جان به لب رسیده، اخبار رسیده از گسترش اعتصابات دانشجویی حکایت دارد.

بدنبال اعتصاب دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران (ملی سابق) که از اعتراض دانشجویان دختر به وضعیت ناهنجار خوابگاههای دانشجویی آغاز و به سرعت به سراسر دانشگاه گسترش و با خواست برکناری مدیریت دانشگاه به مدت یک هفته ادامه یافت. براساس این اخبار که جزئیات آنها هنوز روشن نیست، ۵۰۰ نفر از دانشجویان رشته حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی تهران در روزهای ۷ و ۸ اسفند ماه سال گذشته با خواست

برکناری رئیس دانشگاه دست به اعتصاب زدند. همچنین مسئولین دانشگاه فاطمیه قم در مقابل اعتراضات گسترده دانشجویان در رابطه با افزایش بی رویه شهریه این دانشگاه، اقدام به منحل کردن ترم تحصیلی آنها نمودند.

سران رژیم «ولایت فقیه» که تجربه اعتصابات دانشجویی سالهای ۵۶ - ۵۵ و پیوند آن با جنبش توده ای در جریان انقلاب بهمین را به خوبی به خاطر دارند، وحشت زده درصدد چاره جویی برآمده و به زعم خود کوشش می کنند تا با «رسیدگی» به برخی خواسته های صنفی دانشجویان، جلوی تعمیق جنبش دانشجویی و فرارویی آن به یک جنبش سیاسی سراسری را بگیرند. در این رابطه، مجلس شورای اسلامی در تبصره ای از بودجه مصوب سال ۱۳۷۳، بانک مرکزی را موظف نمود «مبلغ ۱۰ میلیارد تومان از طریق سیستم بانکی به صورت قرض الحسنه و با وام مشارکت و ... جهت تکمیل و احداث خوابگاههای دانشجویی در اختیار دستگاههای مربوطه قرار دهد».

افزایش بودجه دفاعی، کاهش سوبسید مواد غذایی

مجلس شورای اسلامی، لایحه بودجه سال ۱۳۷۳ را با کم کردن بیش از ۱۵٪ از درآمدها و هزینه های پیشنهادی از طرف دولت، به تصویب رساند. اغلب هزینه های عمومی و جاری دولت نسبت به سال ۱۳۷۲ کاهش یافت، ولی بودجه دفاعی تنها بخشی بود که مجلس با افزایش آن مخالفت نکرد و میزان آن را با ۸۵۰ میلیون دلار افزایش به ۱/۴ میلیارد دلار رساند. در صورتیکه سوبسید مواد غذایی را از ۱/۲ میلیارد دلار به ۸۰۰ میلیون دلار کاهش داد.

اولین اثر بودجه مصوب قبل از شروع سال نو پدید آمد و «راه آهن جمهوری اسلامی» قیمت بلیط های مختلف قطارهای مسافربری را در ایام نوروز به بهانه «قطع کمکها و سوبسیدهای دولت» ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش داد و سپس در نخستین روزهای سال نو اعلام داشت که قیمت جدید بلیط ها ثابت خواهد ماند.

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

نشست نوبتی هیئت اجرایی کمیته مرکزی در اسفند ماه ۱۳۷۲ برگزار گردید. در این نشست آخرین رویدادهای کشور، و برنامه کاری حزب برای گسترش مبارزه علیه رژیم "ولایت فقیه" مورد بحث و بررسی قرار گرفت. روابط حزب با سایر سازمان های اپوزیسیون و گام هایی که در چارچوب "منشور آزادی" برای بحث پیرامون ایجاد ائتلاف وسیع، از سوی حزب ضرور می باشد، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و تصمیمات مشخصی در این مورد اتخاذ شد.

هیئت اجرایی گزارش شعب مختلف تشکیلات، مالی، روابط عمومی و انتشارات را دریافت و پس از بررسی آنها تصمیمات لازم را برای ادامه و پیگیری کارها اتخاذ کرد.

روسیه

هزاران کمونیست و دموکرات روز یکشنبه ۱۴ فروردین ماه در یک راهپیمایی اعتراضی در خیابان های مسکو به تظاهرات پرداختند. این راهپیمایی به مناسبت یادبود کشته شدگان حوادث مهر ماه گذشته هنگامی که نظامیان وفادار به دولت یلتسین به ساختمان پارلمان حمله نمودند، سازمان داده شده بود. مسیر راهپیمایی به یک بنای یادبود موقت در نزدیکی مقر سابق پارلمان «کاخ سفید» خاتمه یافت.

الکساندر روتسکوی، معاون سابق رئیس جمهور و از رهبران جنبش ضد یلتسین که در ماجرای حمله به پارلمان دستگیر شده و ماه گذشته با تصمیم فوق العاده پارلمان مورد عفو قرار گرفته بود در هنگام نهادن یک تاج گل در محل بنای یادبود گفت: «ما کمونیست-فاشیست نیستیم. فاشیست آن هایی هستند که بر روی ما آتش گشودند».

در ماه های اخیر موضع یلتسین شدیداً تضعیف شده است. وضعیت اقتصادی اسفناک کشور، فقر فوق العاده و سیاست های ارتجاعی دولت در مورد مسایل اجتماعی باعث گردیده است که مردم در هر فرصتی بطور وسیع به حمایت از مخالفان دولت بپردازند. برای مقابله با چنین جوی یلتسین خواستار امضای یک قرارداد صلح داخلی تحت عنوان «موافقتنامه در مورد حصول آشتی مدنی در روسیه» از سوی همه احزاب سیاسی کشور گردیده است.

۱۳ فروردین ماه رهبر حزب کمونیست روسیه، گنادی ژبوگانف به طرح یلتسین که متوجه فرونشاندن موج مخالفت توده ای علیه دولت، زیر پوشش «پیمان آشتی مدنی» می باشد حمله کرد. او گفت: «یک طرف (یلتسین و طرفدارانش) شرایطی را در طرح گنجانده است که فقط برای خود آن ها مورد قبول است و هیچگاه از سوی بخش وسیعی از مردم مورد قبول قرار نخواهد گرفت... طرح، هرگونه اصلاحیه ای به قانون اساسی و یا انتخابات قبل از موعد را ممنوع می کند».

طرح یلتسین در مورد «پیمان آشتی مدنی» که باید از سوی همه احزاب اصلی روسیه قبل از ۱۰ اردیبهشت به امضا برسد، هنوز برای اطلاع عمومی پخش نشده است. رهبر حزب کمونیست اظهار داشت که او از بخش های کلیدی طرح اطلاع یافته است.

یلتسین از هم اکنون اعلام کرده است که پیمان در بردارنده مجازات های سنگین برای هر حزب سیاسی ای خواهد بود که اقدام به بوجود آوردن عدم ثبات اوضاع در روسیه بنماید.

احزاب عمده اپوزیسیون روسیه، به استثنای ناسیونالیست های افراطی طرفدار ولادیمیر ژیرونوفسکی، پایه گذاری یک جبهه متحد تحت عنوان «پیمان برای روسیه» را که مشترکاً توسط روتسکوی و ژبوگانف رهبری خواهد شد، اعلام کرده اند. ژبوگانف گفت که کنفرانس پایه گذاری این جبهه احتمالاً در ماه مه تشکیل خواهد گردید.

مولداوی

در انتخابات پارلمانی که در ماه گذشته در این جمهوری سابق اتحاد شوروی صورت گرفت حزب کمونیست سابق و حزب دهقانی متحد با اکثریت ۶۶٪ آرا حاکمیت را بدست گرفتند. در فرمانرومی که یک



کنگره اتحادیه های کارگری سراسری هند که توسط کمونیست ها رهبری می شود تهدید کرده است که تظاهرات بیشتری را در خیابان ها سازمان خواهد داد. رئیس اتحادیه های کارگری هند، آقای کریشنان گفت: «در بسیاری از نقاط، کارگران متوقف کرده و کتک زده اند. ولی ما می خواهیم به دولت بگوئیم که کارزار ما هنوز پایان نیافته است». یک بیانیه که از سوی سازمان دهندگان تظاهرات روز ۱۶ فروردین امضا شده است از دولت خواسته است که پیمان ۲۶ فروردین در مراکش را امضا نکند.

لبنان

نیروهای سیاسی ترقیخواه لبنان به شدت از اقدام دولت این کشور در جهت تعطیل کردن مطبوعات اپوزیسیون انتقاد نموده اند. این حرکت سرکوبگرانه به بهانه اقدام علیه ملیشایی مسلح مسیحی به دلیل دست داشتن در بمب گذاری در یک کلیسا توجه شده است. نخست وزیر سابق کشور سلیم الحص گفت: «دولت باید شیوه های قانونی را به کار می گرفت و نه این که به اقداماتی علیه آزادی های دموکراتیک دست بزند». اقدام به تعطیل کردن مطبوعات مقارن بوده است با اعلام ممنوعیت «نیروهای لبنانی»، بزرگترین ملیشایی مسیحی در جریان جنگ داخلی که در سال های اخیر خود را به قالب یک حزب سیاسی در آورده است، و اینک متهم شده است که چندین عضو آن در بمب گذاری در یک کلیسای مارونیت شرکت داشته اند.

روزنامه ها اعلام خطر کردند که جلوگیری از انتشار مطبوعات اولین قدم در حمله علیه اپوزیسیون بوده و برای مدت طولانی ادامه خواهد یافت. روزنامه «الصغیر» پوشش خبری باقیمانده که توسط رادیو و تلویزیون دولتی ارایه می شود را «تاسف آور و ناچیز» خواند.

آلمان

کارگران بخش مهندسی آلمان با نگرانی به توافق پیچیده ای که بین اتحادیه آنان- اتحادیه فلزکاران - کارفرمایان منعقد شده است می نگرند. علی رغم رای بسیار بالا در حمایت از اعتصاب و موضع رادیکال اعضای اتحادیه، توافق حاصله بسیار پایین تر از چیزی است که کارگران توقع داشته اند.

طبق این توافق حقوق ها از ماه ژوئن ۲٪ افزایش می یابد که اگر در تمام طول سال مسیحی محاسبه شود ۱/۱۶٪ خواهد بود. این در واقع ثابت ماندن حقوق می باشد. اتحادیه فلزکاران در اصل خواستار اضافه حقوق ۶-۵/۵ درصدی و کاهش ساعات کار برای ایجاد و محافظت اشتغال شده بود. برای اولین بار است که این اتحادیه قدرتمند چنین قرارداد ضعیفی را امضا می کند. در منطقه ساسکونی سفلی، بیش از ۹۲٪ کارگران بخش مهندسی در حمایت از خواست اضافه حقوق به اعتصاب رای داده بودند.

در همین حال کارگران و کارمندان بخش دولتی در طلب ۴٪ اضافه حقوق که معادل میزان تورم می باشد، دست به اعتصاب های پراکنده زده اند.

هفته بعد از انتخابات صورت پذیرفت، مردم با اکثریت قاطع خواسته ناسیونالیست ها را مبنی بر الحاق کشور به رومانی را که همسایه این کشور می باشد، رد نمودند. اکثریت مردم مولداوی به زبان رومانیایی صحبت می کنند. دو سوم از رای دهندگان که بالغ بر ۹۰٪ مجموع صاحبان رای بودند از یک مولداویایی مستقل و بیطرف که در آن همه شهروندان حقوق برابر خواهند داشت حمایت نمودند. یک سوم جمعیت کشور را اقلیت روس تشکیل می دهد که برای سالیان دراز در این کشور ساکن بوده و زندگی می کنند.

هندوستان

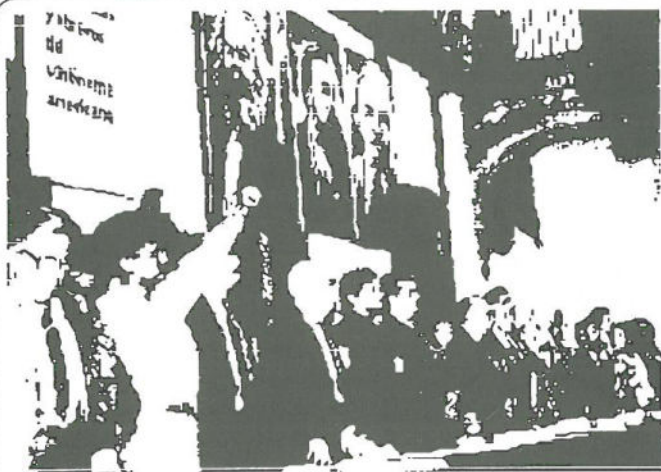
در حمله پلیس به تظاهرات ۲۰۰/۰۰۰ نفره در روز ۱۶ فروردین ماه در دهلی نو که در مخالفت با اعضای موافقتنامه گات سازمان دهی شده بود بیش از ۵۰۰ تظاهرکننده زخمی گردیدند. در این تظاهرات که توسط اتحادیه های کارگری چپ سازمان داده شده بود و از سوی گروه های زنان و جوانان حمایت می شد با آن چه که آن ها به عنوان یکجا فروختن منافع مردم هند به کمپانی های بین المللی قلمداد می کند مخالفت نمود.

گروه های چپ از اعتراض کشاورزان حمایت می کنند. آن ها معترض هستند که موافقتنامه جدید گات که برای بذر حق ثبت رسمی قابل است، بخش کشاورزی هند را که در موقعیتی بحرانی است زیر کنترل خارجی قرار خواهد داد.

هند جزو کشورهایی است که قرار است در روز ۲۶ فروردین موافقتنامه ای را در مراکش به امضاء برساند که منجر به تاسیس سازمان جهانی تجارت خواهد شد و جایگزین کنفرانس گات می شود.

م. ا. بابی عضو کمونیست پارلمان هند گفت: «ما سازمان های توده ای را فرامی خوانیم که روز ۲۶ فروردین را به عنوان روز سیاه معرفی کنند». او اضافه کرد: «دولت به چند ملیتی ها اجازه می دهد که به بازار هند وارد شوند و ما را غارت کنند و اکنون حتی نمی خواهد که ما علیه این اقدام اعتراض کنیم».

تظاهرکنندگان و مخالفان دولت هند اعتراض دارند که برنامه اقتصادی نئو لیبرال دولت فقط به ثروتمندان کمک می کند. طبق این برنامه هند به سرعت در حال کنار گذاشتن سیاستی است که برای دهه ها در اکثر بخش های اقتصادی نوعی برنامه ریزی مرکزی را ممکن نموده بود.



متن اعلامیه کنفرانس سراسری احزاب کمونیست و کارگری قاره آمریکا:
(۱۰-۱۲ مارس ۱۹۹۴، مکزیکوسیتی)

قاره آمریکا در گیرودار ...

داده یا واقعیت تازه، و از هر حرکت انسانی در جهت دستیابی به جامعه ای مبتنی بر عدالت و جهانی سعادتمند، استقبال می کند.

باید با جزم گرایی، رکود، فرسودگی و تحریف سوسیالیسم علمی - که تاکنون صدمات سنگینی به روند انقلاب جهانی وارد کرده است - به طور پیگیر مقابله کرد تا از قلب ماهیت و کاهش کارآیی این ابزار علمی و دگرگون ساز پیشگیری شود.

همانطور که خوان کارلوس ماریانگی در سال ۱۹۲۷ گفت، مارکسیسم - که همه در مورد آن سخن می گویند اما کمتر کسی آن را می شناسد و درک می کند - یک اسلوب اساسا دیالکتیکی است. یک چنین اسلوب منسجم و بهم پیوسته که پایه در واقعیت دارد نمی تواند، آنطور که برخی به اشتباه تصور می کنند، از یک دسته احکام منجمد و از پیش آماده که به همه ادوار تاریخی و شرایط اجتماعی قابل اطلاق اند، تشکیل شود. هرچه باشد، مارکس نیز اسلوب خود را از درون همین روندهای متحول تاریخی استخراج کرده است. «مارکسیسم، در هر کشور و در هر محل، در چارچوب شرایط مشخص محیطی، اجتماعی و فرهنگی عمل می کند و همواره این شرایط مشخص محیطی را در نظر می گیرد». این اصل همچنان تمامی اعتبار خود را حفظ کرده است و باید به طور کامل به کار گرفته شود.

۴- فروپاشی آنچه که «سوسیالیسم موجود» نامیده می شود و تجزیه اتحاد جماهیر شوروی، نه نتیجه تئوری های مارکسیسم، بلکه ناشی از استحاله، رکود و به کار گرفته نشدن جنبه های اصلی این تئوری بوده است.

این آرمان سوسیالیسم نبود که در بخشی از جهان شکست خورد، بلکه این رشد ناقص منتج از کزدیگی ها و اشتباهات در روند دگرگونی انقلابی برای دستیابی به این آرمان بود که با شکست مواجه شد.

این سلطه جویی، بوروکراتیسم، کمبود دموکراسی کارگری و توده ای، و محدودیت های تحمیل شده بر روند اجتماعی شدن مالکیت، اقتصاد و قدرت سیاسی بود که به موازات تعرضات شدید، پیوسته و پرصدمه امپریالیسم، این روند را با شکست مواجه کرد.

۵- فروپاشی این مدل از گذار به سوسیالیسم نمی تواند نافی پیشرفت ها و دستاوردهای عظیم اقتصادی، علمی و فرهنگی اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی در این سال ها باشد. برعکس، صدمات فاجعه بار ناشی از روند کنونی احیای سرمایه داری در این کشورها خود ارزش واقعی دستاوردهایی را که مردم این کشورها در نظام سوسیالیستی به دست آورده بودند به نمایش گذاشته است.

ارزش تاریخی این تلاش ها و این تجربیات در جستجوی عدالت و رهایی اجتماعی به هیچ صورتی قابل انکار نیست. به همین طریق نمی توان خدمات تاریخی سوسیالیسم، از جمله نقش آن در سرکوب فاشیسم، فروپاشی نظام استعماری، پیروزی انقلاب در ویتنام و تداوم انقلاب در کوبا به مدت سی سال، را انکار کرد.

۶- مبارزه طبقات در عرصه ایدئولوژیک امروز شدت و حدت بی سابقه ای یافته است. بخش عظیمی از نیرو و منابع سرمایه بین المللی در خدمت قانع کردن انسان ها بدین باور قرار گرفته است که سوسیالیسم خود به خود نابود شده است، مارکسیسم دیگر مرده است، و تاریخ «به پایان راه خود» رسیده است.

اما سببیت و خشونت این حمله ها خود بیانگر قدرت، تاثیر و توان آرمان های انقلابی در جهانی است که هر روز به طور فزاینده از گرسنگی و فقر، نابودی محیط زیست، خشونت و تعرض، و سرکوب و تبعیض فزاینده ناشی از سلطه سرمایه داری بین المللی رنج می برد.

هیچ تئوری مرده ای ارزش اینهمه توجه و تعرض را ندارد.

۷- سرمایه داری، که بحران ساختاری و بنیادی همه وجود آن را فرا گرفته است، به ویژه امروز که زیر تاثیرات کشنده سیاست های نئولیبرالی قرار دارد، بسیار بیشتر از زمانی که مارکس نقد دوران گرانه خود را در مورد این شیوه تولید نوشت، دست خون چکان دارد.

تردید نیست که عقبگردهای جدی که پس از هفتاد سال حرکت به سمت

سوسیالیسم به وقوع پیوسته اند نمی توانند اثرات فاجعه بار ۵۰۲ سال انباشت اولیه سرمایه و رشد سرمایه داری را خنثی کنند. به همین طریق، این عقبگردها قادر نخواهند بود علل و انگیزه های مبارزه پیگیر در راه عدالت اجتماعی، رشد عادلانه، آزادی، و برابری میان انسان ها را نابود کنند.

۸- در آمریکای لاتین و جزایر کارائیب، همه الگوها، برنامه ها و سیستم های اداری که در خدمت سرمایه داری وابسته قرار دارند با شکست مطلق مواجه شده اند. همه این برنامه ها، از «توافق نوین» (New Deal) گرفته تا قراردادهای تجارت آزاد، تنها در خدمت تشدید سلطه شرکت های فراملیتی قرار دارند و به تشدید فقر، فلاکت، نابرابری، وابستگی، گسترش شکاف میان اقلیتی سلطه گر و اکثریتی زیر سلطه، تعمیق دره میان توسعه و عقب ماندگی، افزایش آلودگی محیط زیست، اوجگیری تنش های سیاسی، رشد استبداد در چهره لیبرال منشانه، و انحصار قدرت سیاسی و نابرابری های نهادی می انجامند. ورشکستگی همه این دولت ها - از فاشیسم گرفته تا دیکتاتوری های نظامی، حکومت های پوپولیستی، سوسیال دموکرات ها، سوسیالیست های مسیحی، لیبرال ها، و دموکراسی های فاسد نئولیبرال - به اثبات رسیده است.

۹- نئولیبرالیسم، که اکنون به مد روز تبدیل شده، همواره یکی از خشن ترین اشکال بروز ماهیت ضد انسانی و مخرب سرمایه داری بوده است که بالاترین حد فقر و سقوط اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و فرهنگی را باعث شده، نامشروع بودن «دموکراسی اقلیت» را به اثبات رسانده و ملت ها و کشورهای تحت سلطه مستبدانه خود را به هرج و مرج کشانده است.

۱۰- این پدیده نه تنها کشورهای به اصطلاح «جهان سوم» را به شدت تحت تاثیر قرار داده، بلکه در عقبگرد تاریخی و تشدید وخامت اوضاع کشورهای اروپای شرقی نیز تبلور یافته؛ علیه کشورهای درحال توسعه بکار گرفته شده؛ رشد جهان پیشرفته را از طریق مهاجرت های فزاینده جمعیت از جنوب به شمال و از شرق به غرب به عقب برگردانده؛ به تشدید بحران اجتماعی و گسترش فقر در کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا انجامیده؛ و به رقابت های امپریالیستی و جنگ های وحشتناک ملی - نژادی دامن زده است.

۱۱- در چنین شرایطی، احیای آگاهی انقلابی در جهت تغییر جهان، و تجدید آرایش صفوف نیروهای مدافع رهایی ملی، دموکراسی واقعی و سوسیالیسم، به خطرناک ترین وظیفه کمونیست ها، احزاب چپ و جنبش های اجتماعی در سطح قاره آمریکا و جهان بدل شده است.

این روند از هم اکنون به طور واقعی آغاز شده است و نمونه های تجدید قوای این نیروها را امروز می توان در اروپای شرقی، اروپای غربی، ایالات متحده آمریکا و کانادا، آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و جزایر کارائیب مشاهده کرد.

بدین طریق ما دوران ناامیدی ها و صدمات ایدئولوژیک و سیاسی ناشی از فروپاشی سوسیالیسم در اروپا و برخی شکست های دیگر را پشت سر گذاشته ایم و به مرحله احیای مبارزه، هم در عرصه تفکر و هم در عرصه عمل انقلابی، دموکراتیک، ضد امپریالیستی و اجتماعی وارد می شویم.



تجاری را که در جهت تشدید فقر مردم ما، احیای سلطه استعماری بر بخش جنوبی قاره آمریکا و سرکوب نیروهای مترقی و دموکراتیک عمل می کند، خواستار شوند. ما وجدان های دموکراتیک سراسر قاره آمریکا را فرا می خوانیم که با نیرو و انرژی هرچه بیشتر علیه همه اشکال سرکوب دولتی (پلیس، ارتش، و قوای قضائیه، مقننه و اجرائیه) که به منظور نابود کردن احزاب کمونیست و چپ و مقابله با جنبش های اجتماعی و نیروهای مترقی سراسر قاره سازمان داده می شوند مبارزه کنند. ما همبستگی خود را با همه اشکال مبارزه در جهت احقاق حقوق دموکراتیک و شرکت کامل این نیروها در عرصه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورهايمان اعلام می داریم.

ما از همه نیروهای دموکراتیک می خواهیم که اصل وحدت در تنوع را به اجرا در آورند و در جهت شکل گیری گسترده ترین جنبش های سیاسی و اجتماعی که قادر باشند از طریق مبارزه توده ای مؤثر، در مقابل سیاست های مخرب نئولیبرالی بایستند، از حق حاکمیت ملی دفاع کنند، حقوق دموکراتیک را گسترش دهند، و حق مردم برای یک زندگی شرافتمندانه را تضمین کنند، بکشند.

ما همچنین از همه مردم زحمتکش می خواهیم که در سال جاری، یادبود یکصدمین سالروز تولد دو تن از مبارزان انقلابی و شخصیت های منحصر به فرد تاریخ مارکسیسم آمریکای لاتین، یعنی «وینسنت لومباردو تولدانو» از مکزیک و «خوان کارلوس ماریانگی» از پرو، را برگزار کنند.

ما از مردم سراسر قاره به ویژه می خواهیم که کارزار همبستگی خود با کوبای سوسیالیستی را تشدید کنند و تلاش های خود را برای درهم شکستن محاصره جنایتکارانه اقتصادی ایالات متحده آمریکا علیه این کشور دوچندان سازند. ما از همه می خواهیم که خروج نیروهای آمریکایی را از خاورمیانه، پاناما و سومالی خواستار شوند؛ فشارها و نقشه های تجاوزگرانه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری دموکراتیک خلق کره را محکوم کنند؛ استقرار دموکراسی در هائیتی را خواستار شوند؛ و از مبارزه برای استقلال پورتوریکو و الغای بقایای نظام استعماری در قاره آمریکا حمایت کنند.

ما خواستار دموکراتیزه شدن کامل سازمان ملل متحد و احترام به برابری حقوق همه دولت ها بر اساس منشور سانفرانسیسکو هستیم. ما از همه می خواهیم که در راه پایان بخشیدن به همه اشکال تبعیض علیه زنان، مردم بومی، رنگین پوستان و مهاجران که قربانی نژادپرستی هستند مبارزه کنند. ما همه را فرا می خوانیم تا با آلودگی محیط زیست و تخریب نظام محیط زیست جهانی مقابله کنند. ما همه را به مبارزه در راه استقرار صلح واقعی و دموکراسی واقعی، در راه وحدت بزرگ همه نیروهای مردمی — همانطور که سیمون بولیوار در نظر داشت — در راه شرافت و احترام انسانی، و برای رفاه و سعادت همگانی، دعوت می کنیم.

* حزب کمونیست کانادا

* حزب کمونیست کبک

* حزب پیشاهنگ مردمی کستاریکا

* حزب کمونیست هندوراس

* حزب سوسیالیست مردمی مکزیک

* حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

* حزب کمونیست پرو

* حزب کمونیست شیلی

* اتحاد انقلابی کمونیست های جمهوری دومینیکن: حزب کمونیست دومینیکن؛

حزب کارگران دومینیکن؛ جنبش مردمی دومینیکن؛ نیروی مقاومت برای رهایی

مردم دومینیکن

* حزب کمونیست کلمبیا

* نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا

* حزب کار گواتمالا

۱۲- مشکلات جدی ناشی از تداوم محدودیت ها و ضعف های جنبش هنوز وجود دارند و ما را از هدایت و جهت دادن به نارضایی ها و طغیان های توده ای، به ویژه در عرصه ایجاد تحولات نوین اجتماعی، باز می دارند. با این وجود، در این دوران سلطه نئولیبرالیسم، گرایش به سمت انفجارات اجتماعی و سیاسی به طور پیوسته افزایش می یابد.

قیام اجتماعی سال ۱۹۸۴ در جمهوری دومینیکن: قیام «کارکازو» و خیزش نظامی در ونزوئلا: قیام بومیان اکوادور در سال ۱۹۸۹؛ طغیان اجتماعی مردم جامائیکا علیه صندوق بین المللی پول: خیزش های مهم سیاسی و اجتماعی در نیکاراگوئه؛ مبارزه مسلحانه جنبش متحد نیروهای انقلابی و ملی در گواتمالا که بواسطه قدرت فزاینده خود و تکیه بر جنبش مردمی و نیروهای دموکراتیک توانست کودتای «سرانو» و تلاش وی برای تحمیل راه حل نظامی به مردم گواتمالا را خنثی کند؛ حرکت توده ای علیه «کولور د ملو» در برزیل؛ طغیان های اجتماعی و نژادی در لس آنجلس و دیگر شهرهای ایالات متحده آمریکا؛ مبارزات مردم بومی در کانادا؛ طغیان زنان کارخانه های وابسته به سرمایه خارجی در هندوراس؛ شورش اجتماعی علیه حکومت آلفونسین؛ قیام اخیر مردم غیرمسلح در شهر «سانتیاگو دل استرو» در آرژانتین؛ و خیزش اخیر در ایالت «چیپاس» در مکزیک، همه و همه قیام هایی هستند که از جمله به واسطه سرکوب و خفقان دایمی، نظم غیرعادلانه نئولیبرالی و دموکراسی های دروغین وابسته به آن ایجاد شده اند. در میان این مبارزات باید همچنین از زنجیره اعتصابات، تظاهرات و اقدامات اعتراضی توده ای در سراسر قاره آمریکا نام برد؛ از نقش خارق العاده و قهرمانانه جنبش های مسلحانه در سطح قاره یاد کرد، و بر اهمیت مبارزه پیگیر برای دموکراتیزه کردن جوامع خود و مقابله با بیعدالتی های اجتماعی که انگیزه اصلی این خیزش ها هستند تأکید ورزید.

۱۳- این واقعیت ها بیش از هر چیز وظیفه مطالعه آن عوامل ذهنی را که انسان ها را به عرصه مبارزه می کشند؛ مقابله خلاقانه با تعرض ایدئولوژیک امپریالیسم؛ تریبیک اندیشه های رهایی بخش به ذهن توده ها؛ به حرکت در آوردن قدرت اراده و ظرفیت آنها در جهت مبارزه توده ای؛ فرموله کردن راه حل های قوی و مناسب در جهت رهایی آنها؛ و بالاخره تقویت احزاب و سازمان هایمان از طریق هرچه توده ای تر و دموکراتیک تر کردن آنها و در خدمت گرفتن همه توان آنها در جهت ایفای وظایف اصلی شان، و تبدیل آنها به وسیله ای برای تبدیل قدرت کارگران به نیروی مؤثری که بتواند آرمان سوسیالیستی را به واقعیت بدل کند، را در مقابل ما قرار می دهد.

۱۴- ما شرکت کنندگان در این اجلاس مهم، تمهد خلل ناپذیر خود را به مبارزه در این راه رهاییبخش اعلام می داریم و از همه نیروهایی که جنبش های کارگری و توده ای را نمایندگی می کنند، و از همه طبقات و اقشار زیر سلطه و ستم سرمایه، می خواهیم که مبارزات خود را تشدید کنند و با همه توان خود در جهت ایجاد گسترده ترین اتحادها بکشند و در راه تکمیل روند تجدید نیرو و آغاز یک ضد حمله رهایی بخش، مصمم تر از پیش گام بردارند.

ما از همه نیروهای مردمی می خواهیم که از حق کارگران برای تشکیل سندیکاها و اتحادیه ها، و برای برگزاری تظاهرات و اعتصابات دفاع کنند؛ پیگیرانه به دفاع از حق مردم زیر ستم، تحت تبعیض و سرکوب شده برخیزند؛ با شکنجه دولتی مبارزه کنند و آزادی مردان و زنانی را که به دست «قاضیان بی چهره» به شکلی غیرعادلانه به زندان افتاده اند خواستار شوند.

ما به ویژه از همه می خواهیم که جنگ کثیف حکومت «گاویرا» علیه مردم کلمبیا را محکوم کنند و با کارزار تروریسم دولتی برای امحا حزب کمونیست، اتحادیه میهنی و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی این کشور به مقابله برخیزند.

ما همچنین از نیروهای مردمی می خواهیم که با آدم دزدی، ترور و شکنجه مخالفان به دست دولت های حاکم در پرو، گواتمالا و دیگر کشورهای قاره، که مدارک کافی در مورد آنها وجود دارد، مبارزه کنند.

ما از نیروهای مردمی می خواهیم که در جهت یافتن راه حل های سیاسی عادلانه برای جنگ های طولانی مدت داخلی در گواتمالا و کلمبیا تلاش ورزند.

ما نیروهای مردمی را فرا می خوانیم تا در جهت پایان بخشیدن به قتل عام اقتصادی مردم مکزیک، کانادا و ایالات متحده آمریکا که از طریق برنامه های اقتصادی نئولیبرالی به پیش برده می شود مبارزه کنند و الغای همه قراردادهای

«تایم» از جنایات ...

دولت سویس اطلاع داد که متهمان به زودی به آن بازگردانده خواهند شد. اما در روز ۲۹ دسامبر، ادوارد بالادور نخست وزیر فرانسه به طور ناگهانی اعلام کرد که به دلایل مرتبط با مصالح ملی، این دو متهم، یعنی محسن شریف اصفهانی و احمد طاهری، به تهران فرستاده شده اند. «تایم» سپس ادامه می دهد: «دولت فرانسه هیچ توضیح بیشتری در این مورد نداده است... [اما] شارل پاسکوا، وزیر کشور فرانسه هرگونه «تهدید مشخص» از سوی دولت ایران را به عنوان انگیزه این کار تکذیب می کند». این نشریه سپس از قول همین مقام فرانسوی می نویسد: «البته این کار ما مغایر با قوانین و مقررات بین المللی بوده است. اما بعضی اوقات مجبوریم استثنائاتی هم قایل شویم». «تایم» سپس ادامه می دهد: «با تحویل متهمان قتل رجوی به تهران، خیلی ها تردید دارند که دادگاه [قاتلان بختیار] نیز تشکیل شود».

آنچه که در شیوه برخورد دولت های اروپایی به اقدامات تروریستی دولت جمهوری اسلامی به طور پیکر به چشم می خورد همین «استثنا قایل شدن» برای تروریست های رژیم تهران است! توضیح «تایم» در مورد برخورد مقامات اتریش به قاتلان دکتر قاسملو شاهد این مدعا است:

«در مدت کمتر از دو ساعت، پلیس [اتریش] آلت قتل را به دست آورده بود، یکی از عاملین (بزرگیان) را دستگیر کرده بود، دومی را به بیمارستان فرستاده بود و هویت سومی را کشف کرده بود. آنها نوار کاست مکانات پیش از قتل را نیز به دست آورده بودند. تا صبح روز ۱۴ ژوئیه، آنها از بزرگیان و صحرارودی بازجویی کرده بودند و دلایل کافی برای توقیف آنها در دست داشتند».

با این وجود آنها اعلام کردند که «هیچ دلیلی» برای توقیف بزرگیان وجود ندارد و او را در فردای روز جنایت آزاد کردند و او مستقیماً به سفارت ایران رفت. صحرارودی را نیز پس از معالجه زخمش، در روز ۲۱ ژوئیه به سفارت ایران تحویل دادند. پلیس با احترام کامل پاکت حاوی ۹۰۰۰ دلار پول و پاسپورت دیپلماتیک او را به وی بازگرداند، که او بلافاصله همه را به بزرگیان تحویل داد. روز بعد، صحرارودی با اسکورت پلیس به فرودگاه رفت و به تهران پرواز کرد. در تهران از او به عنوان قهرمان استقبال شد. وی از آن موقع به درجه سرتیپی در سپاه پاسداران ارتقاء یافته و ریاست ستاد اطلاعاتی و مسئولیت شعبه عملیات مخفی آن را بر عهده گرفته است».

در اینجا نیز مقامات دولتی اتریش آگاهانه بر قضیه سرپوش گذاشته اند. یه گفته «تایم»: «ولفگانگ شالنبرگ، دبیرکل وزارت خارجه اتریش وجود هرگونه فشار را از سوی دولت ایران تکذیب

همبستگی کنگره سراسری اتحادیه های بریتانیا با کارگران ایران

کنگره سراسری اتحادیه های کارگری در بریتانیا (TUC) به نمایندگی از سوی میلیون ها عضو خود با ارسال نامه ای به مسئولان «کمیته دفاع از حقوق مردم ایران» همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران و کارگران کشور ما اعلام داشت. در این نامه که از سوی آقای مایکل والش، دبیر امور بین المللی کنگره سراسری اتحادیه ها ارسال شده است، از جمله می خوانیم: «شورای مرکزی پس از بررسی قطعنامه ایران که در جریان برگزاری مجمع عمومی امسال به آن ارجاع داده شد، با این قطعنامه پیرامون نگرانی و محکوم کردن ایران برای سرکوب وسیع حقوق بشر و حقوق اتحادیه های کارگری در ایران هم نظر است. این باور ما توسط صدر شعبه بین المللی کنگره به اطلاع مجمع عمومی رسید».

شورای مرکزی همچنین یادآور می شود که این موضع از سوی ما با سازمان بین المللی کار (ILO) و کنفدراسیون جهانی کارگران (ICFTU) در سال های گذشته، در میان گذاشته شده است. ما در این زمینه شکایت رسمی خود را تقدیم این سازمان ها کرده ایم. کنفدراسیون جهانی با این موضع ما موافق است و مشغول جمع آوری مدارک در این زمینه می باشد. در اظهار نظر پیرامون قطعنامه مجمع عمومی، کنفدراسیون جهانی

ادامه در ص ۲

خود با دولت ایران انجام می دهد. «تایم» در این مورد می نویسد: «بن مهمترین طرف تجاری تهران است. علاوه بر نفت، ۵۰ درصد صادرات ایران به آنان وارد می شود و سال گذشته ایران معادل بیش از ۲/۴ میلیارد دلار کالا از آنان وارد کرده است. ماه گذشته، دولت آنان یک وام ۲/۳۵ میلیارد دلاری به دولت ایران را تضمین کرد».

این است ماهیت واقعی کسانی که امروز تحت نام «دفاع از حقوق بشر»، کویای انقلابی را به محاصره می کشند، چین و کره دموکراتیک را زیر فشار قرار می دهند، به عراق، سومالی، پاناما و دیگر کشورهای «جهان سوم» لشکر می کشند و اکنون نیز می خواهند سازمان ملل را به آلت دست خود در این جنایت ها تبدیل کنند. باید با این تبهکاری ها به شکلی متحد و یکپارچه مبارزه کرد و چهره واقعی این فریبکاران را، که در هردو سوی این معرکه تروریستی به جنایت مشغول اند، به جهانیان شناساند.

می کند. او می گوید: پلیس بر مبنای اطلاعات موجود در آن زمان عمل کرده است. اما «تایم» از قول یک «مقام بلندپایه» دیگر دولت اتریش می نویسد: «دلایل مهم تری برای نرمش دولت اتریش وجود دارد. هیچ کشوری دوست ندارد مسایل تروریستی را پیگیری کند. [زیرا] این کار دولت، امنیت و نظام قضایی کشور را به مخاطره می اندازد...».

در مورد برخورد دولت آلمان به قاتلان دکتر شرفکندی نیز در بر همین پاشنه می چرخد. «تایم» در این مورد می نویسد: «مقامات آلمانی به سرعت پنج تن از هشت نفر مشکوک به شرکت در این جنایت را دستگیر کردند و در اکتبر آنها را به دادگاه آوردند. سه نفر دیگر هنوز متواری هستند... اسناد و مدارک زیادی علیه این پنج نفر وجود دارد. اثر انگشت آنها روی اتومبیلی که برای فرار از آن استفاده کرده بودند به دست آمده است. یکی از سلاح هایی که آنها در درون یک کیسه به پارکینگی انداخته بودند، خون یکی از قربانیان را بر روی خود دارد. اثر انگشت یکی دیگر از متهمان نیز روی این اسلحه پیدا شده است...».

«اما اینکه دادستان بتواند ارتباط آنها را با تهران اثبات کند مسئله دیگری است. یک افسر پلیس شهادت داده است که یک دستیار بلندپایه هلموت کهل دستور داده است که یکی از گزارشات کلیدی در این مورد از پرونده مدارک بیرون کشیده شود. از محتویات واقعی این گزارش اطلاعاتی در دست نیست، اما گفته های این افسر پلیس به این شک دامن زده است که دولت ایران دولت آلمان را برای ... جدا نگهداشتن مسایل امنیتی زیر فشار قرار داده است». اما در اینجا نیز «تایم» می نویسد: «برند اشمیت باوئر و رابط اصلی دولت آلمان با ایران، وجود هرگونه فشار از سوی دولت ایران ... را مکرراً تکذیب کرده است».

«تایم» سپس ادامه می دهد که «این قضیه هیچگونه تاثیری بر روابط میان تهران و بن نداشته است. در اکتبر گذشته، فلاحیان، وزیر اطلاعات ایران برای ملاقات با اشمیت باوئر به بن آمد. دولت آلمان کوشید این سفر را پنهان نگهدارد، اما فلاحیان با بی پروایی یک مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داد تا به همه نشان دهد که بر خلاف موضعگیری های علنی دولت آلمان، ما روابط خوبی با بن داریم. کمی بعد، اشمیت باوئر به وجود روابط نزدیک میان دو دولت اذعان کرد و به کمیته ای در پارلمان آلمان گفت که سازمان امنیت آلمان اخیراً کامپیوترهای آموزشی به ارزش ۶۰ هزار دلار به همتای ایرانی خود [ساواما] فروخته است».

اگر دولت فرانسه به دلیل معاملات سیاسی پشت پرده و دولت اتریش به دلیل ترس از مخاطرات «امنیتی و قضایی» چشم بر جنایات رژیم در خارج از کشور فرو می بندند، دولت هلموت کهل در آلمان این کار را به دلیل حفظ قراردادهای سودآور اقتصادی